گروه حقوقی روزنامه جوان پذیرای مطالب جامعه حقوقی است.
انتشار دیدگاه‌های حقوقی به منزله تأیید یا رد تمام محتوای آنها نیست.

گزیده

محکومیت یک پزشک به نگارش مقاله علمی درباره مضرات مصرف مشروبات الکلی

در راستای اجرای مجازات‌های جایگزین حبس در زنجان، یک پزشک از باب کیفر تکمیلی به نگارش مقاله علمی راجع به مضرات مصرف مشروبات الکلی محکوم شد.

خسروی، عضو هیئت موضوع ماده ۲۸ آیین‌نامه در ارتباط با نحوه بازرسی، نظارت، ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات استان زنجان اظهار کرد: در ادامه بازرسی‌ها از حوزه‌های قضایی استان زنجان در دادگستری ایجرود، صدور دادنامه درخور تحسین بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل توجه و ارزشمند مشاهده شد. خسروی در تشریح دادنامه‌های موصوف افزود: در یکی از دادنامه‌ها یک پزشک از باب کیفر تکمیلی به نگارش مقاله علمی راجع به مضرات مصرف مشروبات الکلی محکوم شد.

یادداشت

دکتر عباس تفرشی*

۴ شگرد کلاهبرداری از دارندگان کارت‌های بانکی

با پیدایش و شکل‌گیری اجتماع انسانی جرائم علیه اموال نیز نمود پیدا کرد که علاوه بر قبیح و مذموم بودن در ادیان مختلف، مورد جرم‌انگاری قوانین کشورها از جمله کشور ایران شد. کلاهبرداری‌های سنتی روز به روز در حال رخت بر بستن از جوامع بوده و جای خود را به کلاهبرداری‌های نوین می‌سپارد؛ چراکه امروزه با توجه به گسترش تکنولوژی و به دنبال آن وسایل ارتباطی، ابزارهای مبادلاتی نیز تغییرات بسیاری داشته‌اند با پیشرفت بانکداری الکترونیکی هرچند تا حدودی بسیاری از مشکلات مرتبط با مبادلات مالی اشخاص حقوقی و حقیقی علی‌الخصوص در ارتباط با نقل و انتقال وجه نقد و امکان وقوع سرقت کمتر شده است اما عده‌ای نیز با استفاده از نقاط ضعف این روش و بعضاً ناآگاهی اشخاص استفاده‌کننده از آن، مبادرت به سوءاستفاده و کلاهبرداری می‌کنند که این امر نشئت گرفته از آن است که در کشور ما به محض رسیدن افراد به سن قانونی و همچنین بدون توجه به توانایی افراد سالمند و بی‌سواد کارت‌های بانکی بدون هیچ‌گونه آموزش و محدودیتی در دسترس آنها قرار گرفته و توجهی به این امر نمی‌شود که این دسته افراد توانایی مقابله با حیله‌های سوءاستفاده‌گران را ندارند، لذا این بی‌توجهی راه را برای کلاهبرداران رایانه‌ای گشوده است که حل این معضل در وهله اول اهتمام و توجه مسئولان امر را از باب پیشگیری می‌طلبد که پیش از ارائه توصیه‌ها به شهروندان عزیز به دست‌اندرکاران پیشنهاد می‌شود تا حد امکان، با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین دستیابی افراد ناشناس را به اطلاعات حساب دیگران کم کنند، بدین نحو که دسترسی به اطلاعات حساب در دستگاه‌های خودپرداز را به وسیله اثرانگشت هر شخص مقدور سازند تا کسی جز صاحب حساب به کارت دیگری دسترسی نداشته باشد. حال که در وضع کنونی کارت‌های بانکی به صورت شایع در دسترس عده کثیری از افراد جامعه می‌باشد، نظر به افزایش تعداد بزه‌دیدگان این دسته جرائم در این نگارش مختصر به مواردی به عنوان نمونه که امروزه بیشتر قربانیان را اسیر می‌کند، اشاره می‌شود.

۱- یکی از روش‌های متداول در کلاهبرداری از طریق کارت‌های بانکی استفاده از کاغذهای باطله که به نظر بسیاری از صاحبان حساب ارزشی ندارد، است. عموماً مردم پس از انجام مبادلات بانکی رسیدهای دریافتی را در صندوق‌های مقابل عابربانک‌ها یا در خیابان‌ها رها می‌کنند که افراد سودجو از طریق رسیدهای باطله عابربانک‌ها، اقدام به فریب مسئولان بانک‌ها کرده و از این طریق مبالغ قابل توجهی به دست می‌آورند. در این شیوه اشخاصی با پرسه‌زدن اطراف عابر بانک‌ها اقدام به جمع‌آوری کاغذهای باطله رسید مشتریان می‌کنند. این اشخاص به روش ماهرانه‌ای با مسئولان در بانک‌ها تماس گرفته و از طریق شماره حساب افراد با شگردهای خاص و استفاده از ادبیات بانکی مناسب، اقدام به دریافت اطلاعات حساب افراد می‌کنند. در مرحله بعدی این افراد کلاهبردار نسبت به تهیه مدارک جعلی به نام این افراد اقدام می‌کنند. پس از انجام این کارها با مراجعه به بانک می‌توانند مقادیری پول از حساب افراد دریافت کنند. لذا شهروندان باید توجه داشته باشند که پس از استفاده از خودپردازها، حتی‌الامکان از دریافت رسیدهای کاغذی خودداری کرده و در صورت ضرور رسید بانکی خود را در سطل‌های زباله کنار خودپردازها نریزند یا اینکه اطلاعات آن را به خوبی نابود کنند.

۲- روش دیگر متداول در میان کلاهبرداران، سوءاستفاده از ناآگاهی افراد بی‌سواد یا کم‌سواد است که در این روش خصوصاً در اواخر ماه که زمان واریز یارانه یا حقوق‌های بازنشستگی به حساب‌هاست، افراد شیاد در نقش اشخاص خیرخواه و دلسوز با پرسه زدن در اطراف دستگاه‌های خودپرداز با جلب اعتماد قربانیان تقاضای کمک به آنها را می‌کنند، لذا با آگاهی از رمز حساب قربانی، اقدام به انتقال وجه به حساب‌های دیگر می‌کنند یا در مواردی اقدام به جابه‌جایی کارت عابربانک قربانی با کارت مشابهی از همان بانک که از نظر ظاهری تفاوتی با کارت بانکی قربانی ندارد، کرده و کارت افراد را به سرقت برده و تا زمان متوجه شدن فرد از جابه‌جا شدن کارت بانکی وی با دیگری، اقدام به خالی کردن حساب‌های افراد می‌کنند لذا توصیه می‌شود افراد تا حدامکان از سپردن کارت‌های بانکی و رمز آن به افراد ناشناس به شدت اجتناب کنند و عملیات بانکی را توسط اشخاص مورد اعتماد انجام دهند.

۳- شیوه دیگری که در روزگار فعلی بسیار متداول شده است، بدین شرح است که افراد سودجو با مراجعه به افراد حاضر در کنار دستگاه‌های خودپرداز با این ادعا که در آن روز به اندازه سقف مجاز از حساب برداشت کرده و قادر به برداشت بیشتر نیست، تقاضا می‌کند تا مبلغی را به حساب فرد واریز کرده و آن شخص با دریافت پول نقد، به وی پرداخت کند که فرد قربانی غافل از آنکه کارتی که در دست فرد است مسروقه بوده و پول از حساب یک کارت سرقتی وارد حساب وی می‌شود، با انگیزه ترحم و دلسوزی خود را قربانی حیله کلاهبرداران می‌کنند، لذا توصیه می‌شود در این موارد که شناختی از فرد تقاضاکننده ندارند اقدام به پرداخت پول به آنها ننمایند.

۴- شیوه دیگر شیادان رایانه‌ای، بدین نحو است که از طریق تماس یا ارسال پیامک مدعی برنده شدن افراد در قرعه‌کشی می‌گردند که در نتیجه با کشاندن افراد به پای دستگاه‌های خودپرداز به روش ماهرانه‌ای به اطلاعات حساب قربانیان دسترسی پیدا کرده و نقشه شوم خود را عملی می‌سازند، لذا به افراد توصیه می‌شود چنانچه با چنین تماس‌ها یا پیامک‌های مشکوکی مواجه شدند ضمن اطلاع دادن به دستگاه‌های ذیربط از جمله پلیس فتا تا از طریق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی معتبر صحت خبر را احراز نکردند به افراد اعتماد نکرده و از سپردن اطلاعات حساب خود به آنها خودداری کنند و در نظر داشته باشند جهت واریز وجه به حساب آنها بر فرض صحت موضوع، نیازی به دادن رمز حساب خود به فرد تماس گیرنده نیست. اگرچه شیوه‌های شیادان روزبه‌روز در حال توسعه است لکن اعمال آنها نیز از دید قانونگذاران ما پنهان نمانده و با توجه به فاصله گرفتن کلاهبرداری‌های نوین از شکل سنتی سابق، قانونگذار ایران به ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری بسنده نکرده و موضوع کلاهبرداری‌های رایانه‌ای را در ماده ۱۳ قانون جرائم رایانه‌ای جرم‌انگاری و مجازات سنگینی برای شیادان و کلاهبرداران تعیین کرده است، لکن این مختصر نوشته از باب ضرب‌المثل معروف «پیشگیری بهتر از درمان» جهت کاهش تعداد قربانیان این دسته از جرائم ارائه شد. امید است افراد با به کارگیری توصیه‌ها تا حدامکان از شیوع این جرائم خودداری کنند.

* مدرس دانشگاه

اولین گام بین‌المللی برای محاکمه سران داعش برداشته شد

قطعنامه ۲۳۹۷ شورای امنیت سرآغازی برای پایان بی‌کیفری جنایات داعش می‌شود؟ (قسمت اول)

گزارش یک
رضا علی‌دوست

از زمانی که گروه تروریستی داعش، فعالیت‌های تروریستی خود را در سرزمین‌های عراق و سوریه گسترش داده و بخشی از قلمروی این دو کشور را تسخیر کرده است، انتظار می‌رفت جامعه بین‌المللی تصمیمات مناسبی را در این رابطه اتخاذ کند و اقدامات مقتضی را به عمل آورد؛ انتظاری که به دلایل متعدد برآورده نشد تا جایی که امیدها به اجرای «عدالت کیفری بین‌المللی» به ناامیدی تبدیل شد شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۲۳۹۷ در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۷، امیدها به اجرای عدالت کیفری بین‌المللی را تا حدی از نو زنده کرد. با تصویب این قطعنامه که به درخواست عراق صورت گرفت، گام درخور توجهی در راستای اجرای عدالت کیفری بین‌المللی برداشته شد که می‌توان از آن به عنوان پایان «بی‌کیفری» سران داعش و آغاز «پاسخگویی» آنها یاد کرد.

■ قطعنامه ۲۳۹۷؛ گامی بلند ولی دیرهنگام

دولت عراق در نامه مورخ ۹ آگوست ۲۰۱۷ خود به دبیر کل سازمان ملل متحد و شورای امنیت، از جامعه بین‌المللی درخواست کرد تا اعضای داعش را در برابر جنایات ارتکابی خود در عراق مسئول بداند. قطعنامه ۲۳۹۷ در پاسخ به همین درخواست و با هدف تشکیل یک «گروه تحقیقی» به منظور گردآوری و نگهداری ادله مربوط به جنایات ارتکابی از سوی داعش تصویب شد؛ جنایاتی که قطعنامه، از آنها به عنوان رفتارهای تروریستی و ناقض حقوق بین‌المللی بشر و بشردوستانه یاد نموده و حسب مورد «جنایات جنگی»، «جنایات علیه بشریت» و «نسل‌زدایی» توصیف می‌کند.

در مقدمه این قطعنامه، شورای امنیت، داعش را به دلیل رفتارهای تروریستی، داشتن ایدئولوژی افراطی و خشونت‌آمیز، حملات شدید، نظام‌مند و گسترده به اشخاص و اشیای غیرنظامی، نقض حقوق بشردوستانه، نقض حقوق بشر و همچنین جذب و آموزش مبارزانِ تروریستِ خارجی، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و با اشاره به رفتارهای این گروه در طول این مدت، جملگی را محکوم می‌کند؛ رفتارهایی از قبیل قتل عمدی، آدم‌ربایی، گروگانگیری، بمب‌گذاری انتحاری، برده‌سازی، فروش برده، ازدواج اجباری، قاچاق انسان، تجاوز جنسی، بردگی جنسی و سایر اَشکال خشونت جنسی، به‌کارگیری کودکان در درگیری‌های مسلحانه، حمله به زیرساخت‌های حیاتی، نابودی میراث فرهنگی، به ویژه اماکن باستانی و قاچاق اموال فرهنگی. قطعنامه اشاره می‌کند که این رفتارها بخشی از ایدئولوژی داعش و اهداف راهبردی این گروه بوده و به عنوان یک تاکتیک به منظور دهشت‌افکنی به کار می‌رود.

گزارش‌های رسیده از سوی نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی نیز نشان می‌دهند که این گروه، اقدام به «پاک‌سازی قومی»، «پاک‌سازی مذهبی» و «پاک‌سازی فرهنگی» در مناطق تحت تصرف خود نموده و تلاش می‌کند جامعه‌ای همگن و مطابق با ایدئولوژی خود ایجاد کند. قطعنامه تمامی این رفتارها را محکوم و تصریح می‌نماید که مرتکبان این رفتارها که حسب مورد ممکن است «جنایات جنگی»، «جنایات علیه بشریت» و «نسل‌زدایی» به شمار روند، می‌بایست در برابر اقدامات خود پاسخگو باشند.

■ تشکیل گروه تحقیقی

نقطه ثقل این قطعنامه، درخواست شورای امنیت از دبیر کل برای تشکیل یک «گروه تحقیقی»، به ریاست یک «مشاور ویژه» است تا از طریق گردآوری و نگهداری ادله مربوط به جنایات ارتکابی از سوی داعش در سرزمین عراق، از اقدامات داخلی جهت پاسخگو ساختن داعش پشتیبانی نماید؛ ادله‌ای که می‌تواند مورد استفاده دادگاه‌های ملی قرار گرفته و تکمیل‌کننده تحقیقات در حال انجام از سوی مراجع عراقی یا کشورهای ثالث باشد. دبیر کل موظف شده است تا «شرایط کاری» این گروه را ظرف مهلت ۶۰ روز تهیه و به تصویب شورای امنیت برساند و در آن می‌بایست به حضور قضات تحقیقِ عراقی و سایر کارشناسان جنایی این کشور اشاره شود. از جمله اینکه اعضای باتجربه مراجع تعقیبی به این گروه منصوب شده و در موقعیتی برابر با کارشناسان بین‌المللی قرار گیرند تا با همکاری هم تحقیقات را انجام دهند. این شرایط کاری می‌بایست مورد قبول حکومت عراق باشد. با تصویب شرایط کاری، دبیر کل می‌بایست تمامی اقدامات لازم را جهت تشکیل سریع این گروه و انجام مأموریت آن انجام دهد و آغاز به کار آن را اعلام کند. مشاور ویژه نیز باید گزارش نخست فعالیت این گروه را ظرف مهلت ۹۰ روز از آغاز به کار آن و گزارش‌های بعدی را به فاصله ۱۸۰ روز از آن، تنظیم و به شورای امنیت ارائه کند. اگرچه مدت مأموریت این گروه و مشاور ویژه برای دو سال تعیین شده، ولی اشاره شده است که شورای امنیت می‌تواند در صورت درخواست دولت عراق یا دولتی دیگر، مدت فعالیت آنها را تمدید کند. این گروه می‌بایست تحقیقات خود را با احترام کامل به حاکمیت عراق و صلاحیت محاکم آن نسبت به جنایات ارتکابی در قلمروی خود انجام دهد. گروه یادشده باید مستقل، بی‌طرف و موثق بوده و مأموریت خود را مطابق با چارچوب‌های تعیین‌شده در شرایط کاری، منشور سازمان ملل متحد، رویه‌های برتر سازمان ملل متحد، حقوق بین‌المللی و به ویژه حقوق بین‌المللی بشر انجام دهد. قطعنامه تأکید نموده است که این ادله باید با رعایت بالاترین استانداردهای ممکن گردآوری و در فرایند رسیدگی‌های کیفری مستقل و عادلانه - که از سوی دادگاه‌های ملی صالح انجام می‌شوند - مطابق با حقوق بین‌المللی قابل اجرا استفاده شوند.

■ دعوت به همکاری

از نکات مهم این قطعنامه، توجه به موضوع «همکاری» دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای با گروه تحقیقی و ارائه مساعدت‌های حقوقی به آن در زمینه گردآوری ادله و همچنین در اختیار قرار دادن داده‌های مربوط به جنایات ارتکابی است. تمامی دول عضو و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ترغیب شده‌اند تا با مساعدت‌های حقوقی خود، دولت عراق را در جهت توانمندسازی نظام قضایی خود، به منظور رسیدگی به این جنایات یاری رسانند. همچنین از دبیر کل خواسته شده است تا صندوقی را برای دریافت کمک‌های مالی دولت‌ها تشکیل دهد. از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نیز دعوت شده است تا به این گروه در زمینه مالی، تجهیزات و خدمات، به ویژه تدارک کارکنان متخصص، یاری رسانند. از گروه تحقیقی نیز درخواست شده است تا با «گروه پشتیبانی تحلیلی و نظارت بر ضمانت اجراها» - که به موجب قطعنامه ۱۵۲۶ (۲۰۰۴) و قطعنامه ۲۳۶۸ (۲۰۱۷) شورای امنیت تشکیل شده است - و سایر نهادهای ناظرِ مرتبط و نهادهای سازمان ملل متحد همکاری کند.

■ توجه به جنایات ارتکابی در سوریه

اگرچه کانون تمرکز این قطعنامه بر جنایات ارتکابی در عراق است، ولی به نظر می‌رسد بند (۱۱) آن با عبارت «دولت عضو دیگری که داعش در قلمرو آن مرتکب رفتارهایی شده است که ممکن است جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت یا نسل‌زدایی باشد»، امکان توسعه دامنه مأموریت این گروه به جنایات ارتکابی در سوریه را فراهم ساخته است. بنابراین، دولت سوریه می‌تواند از این گروه درخواست کند تا ادله مربوط به این جنایات را گردآوری و نگهداری کند. البته این درخواست باید به تصویب شورای امنیت برسد که در این صورت، شورای امنیت از دبیر کل درخواست خواهد کرد تا شرایط کاری جداگانه‌ای را در رابطه با عملیات این گروه در سوریه ارائه دهد.

■ چشم‌اندازهای پیش رو

تشکیل این گروه، تدبیر بسیار ارزشمندی است تا ادله مربوط به جنایات ارتکابی داعش، گردآوری و نگهداری شود و در اختیار مراجع قضایی صالح قرار گیرد. نگاهی به پیشینه عملکرد شورای امنیت نشان می‌دهد که تشکیل گروه‌ها یا کمیسیون‌های تحقیق می‌تواند مقدمه ایجاد دیوان‌های ویژه (مانند یوگسلاوی پیشین و رواندا) و پس از آغاز فعالیت دادگاه کیفری بین‌المللی، ارجاع وضعیت‌ها به این دادگاه (مانند دارفور سودان و لیبی) به شمار رود. شورای امنیت با این قطعنامه دروازه اجرای عدالت کیفری بین‌المللی را گشوده است و به نظر می‌رسد جامعه بین‌المللی عزم خود را برای محاکمه سران داعش جزم کرده است. وانگهی، نباید از اثر بازدارنده این تصمیم غافل شد. این قطعنامه پیام روشنی به سران گروه داعش ارسال می‌کند و آن هم اینکه دوران تاخت و تاز و ارتکاب جنایات بین‌المللی به پایان رسیده و جامعه بین‌المللی دیگر نمی‌تواند این رفتارهای غیرانسانی را تحمل کند و بی‌پاسخ رها سازد. با آنکه قطعنامه یادشده تلاش کرده است رسیدگی به این جنایات را در صلاحیت دادگاه‌های ملی، به ویژه دادگاه‌های عراق قرار دهد، با این حال، ناتوانی یا تمایل نداشتن این کشور، می‌تواند زمینه را برای ارجاع وضعیت این کشور به دادگاه کیفری بین‌المللی فراهم سازد که به دو شیوه، ممکن است صورت پذیرد. نخست، ممکن است دولت عراق تصمیم بگیرد تا صلاحیت این دادگاه را به صورت موردی، نسبت به این جنایات پذیرفته و رسیدگی به جنایات ارتکابی در قلمرو یا از سوی اتباع خود را به آن واگذار کند. دوم، ممکن است شورای امنیت وضعیت این کشور را به این دادگاه ارجاع دهد.

با این حال و با لحاظ تمامی این احتمالات، به نظر می‌رسد حکومت عراق با درخواست تشکیل این گروه تحقیقی ترکیبی، درصدد تکرار تاریخ و ایجاد یک دیوان ترکیبی دیگر (عراقی - بین‌المللی) همانند «دیوان عالی عراقی» است.

نگاه

سرقت هویت و سوءاستفاده از اطلاعات افراد در فضای مجازی

■ دکتر سلمان کونانی*

آیا تا به حال از خود سؤال کرده‌ایم که چرا طراحان شبکه‌های اجتماعی، پیغام‌رسان‌ها و نرم‌افزارهای پستی و ارتباطی با صرف هزینه‌های گزاف، فرصت و ابزارهایی در اختیار ما قرار داده‌اند که مجانی و بی‌هیچ هزینه‌ای بتوانیم به طرق مختلف با هم ارتباط برقرار کرده و داده‌ها و مضامینی را به اشتراک بگذاریم؟ آیا اینها نیکوکاران و خیران مجازی هستند؟ آری! اگر اندکی واقع‌بین‌تر باشیم، پاسخ روشن است. اطلاعات ما واحد پولی مهمی برای این شبکه‌ها و نرم‌افزارها محسوب شده و اساساً در تفکر طراحان آنها «اطلاعات، پول واقعی هستند.»

تجربیات دنیای کنونی نشان می‌دهد که دیگری چیزی به نام «اطلاعات بی‌ارزش» وجود ندارد. همان سان که روزی سرویس‌های امنیتی جوامع مختلف با استفاده و تحلیل محتوای سطل‌ها و کیسه‌های زباله‌ای که در خارج از منازل افراد و نهادهای دولتی قرار می‌گرفتند، به بسیاری از اطلاعات مهم راجع به افراد و ساکنان آن مناطق و منازل پی می‌بردند و از این طریق بسیاری از نقشه‌های شوم خود را عملی می‌ساختند. امروزه در فضای مجازی هم ساده‌انگاری بسیاری از کاربران و عدم‌صیانت از اطلاعات شخصی حتی آن اطلاعاتی که شاید در نظر خودمان ارزش خاصی ندارند، به فرصتی برای تبهکاران بالقوه تبدیل شده تا از این طریق با دسترسی به اطلاعات شخصی روی به بهره‌وری‌های حداکثری خود از فرصت‌های جرم، خلاف‌کاری و اخلاق‌ستیزی در فضای مجازی آورند. چنین فرصت‌هایی از یک‌سو و سلب مسئولیت طراحان نرم‌افزارها و شبکه‌های اجتماعی از خویش از سوی دیگر باعث شده بازار سرقت اطلاعات روزبه‌روز پررونق‌تر شود. باید توجه داشت حتی زمانی که شما در یاهو یک ایمیل افتتاح کرده‌اید به صورت الکترونیک این جمله و تعهد را امضا کرده‌اید؛ ما (کاربران) می‌پذیریم که شما (طراحان، صاحبان و...) در صورتی که اطلاعات شخصی ما لو رود یا مورد سوءاستفاده قرار گیرد، هیچ‌گونه مسئولیتی نداشته باشید.

چنین سلب مسئولیتی از خود از سوی طراحان این نرم‌افزارها و بسترهای ارتباطی، دلیل روشنی دارد و آن حتمی بودن امکان سوءاستفاده از اطلاعات کاربران است که امروزه بستری برای پدیده «سرقت هویت» مهیا ساخته است. سرقت هویت اجمالاً به معنی استفاده غیرمجاز از اطلاعات و داده‌های شخصی کاربران فضای مجازی است که عمدتاً با اغراض و انگیزه‌هایی نظیر سوءاستفاده از آنها برای اخاذی و ارتکاب جرم و تبهکاری به طوری کلی همراه است. وقتی اطلاعاتی مانند سن، جنس، شماره ملی، شماره شناسنامه، محل تولد، نام پدر، شماره حساب و کارت بانکی، شماره پلاک خودرو، شماره بیمه‌ها و رمزهای ورود به صفحه‌های شخصی به دست افراد سودجو می‌افتد، آنها می‌توانند با جعل هویت مثلاً حساب‌های بانکی به نام صاحبان آن اطلاعات افتتاح کنند و از این رهگذر اندیشه‌های محرمانه خود را عملی سازند. به موازات پدیده سرقت هویت امروزه بسیاری از سازمان‌ها و شرکت‌ها هم تأسیس شده‌اند که با استفاده از محتوا و مضامین ارتباطات، پیام‌ها و تعاملات سایبری اشخاص روی به برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای «جامعه‌شناسی فرهنگی-رفتاری» کاربران و ملل مختلف آورده و از این طریق فضا و بستری برای پیش‌بینی و خوانش رفتار آنها ایجاد می‌کنند که بعداً در عرصه‌هایی چون تبلیغات تجاری، ترویج مدهای کاذب و جعلی و عرضه محصولات فرهنگی نامناسب و معارض با اخلاقیات در جوامع می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. تحلیل محتوای پیام‌ها و تعاملات مجازی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی سایبری امروزه پدیده آشنایی است که به راحتی در دسترس سودجویان این فضا قرار گرفته و حتی به ابزاری در دست بسیاری از دولت‌ها برای تعرض و تجاوز فرهنگی به سایر کشورها و جوامع هم مبدل شده است. لذا صیانت از اطلاعات شخصی هم توجیهات فردی داشته و هم راهبردی در راستای حمایت از امنیت اجتماعی و ملی در جامعه است که لازم است شهروندان و مسئولان همیشه به اهمیت و آثار آن توجه داشته باشند.

* جرم‌شناس و استاد دانشگاه

گزارش

مسعود پرندوار

پارادوکس مشهود با مفاد منشور سازمان ملل

حمله ترامپ به اصول بدیهی حقوق بین‌الملل

بعد از اظهارات بحث‌برانگیز دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا در هفتاد و دومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل این پرسش مطرح شد که آیا گفته‌های رئیس‌جمهور این کشور در تعارض با اصول حقوقی حاکم بر روابط بین‌المللی کشورها و «متن - روح» منشور سازمان ملل هست یا خیر؟ قبل از پرداختن به چرایی ضرورت برگزاری نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل و چگونگی تخطئه اصول بدیهی حقوق بین‌الملل توسط دونالد ترامپ باید به بند چهار ماده ۲ منشور ملل متحد اشاره کرد که دولت‌ها را از تهدید به زور منع می‌نماید البته این به معنای آن نیست که نگرش دولت‌ها به ممنوعیت تهدید به زور، با نگرش آنها به ممنوعیت توسل به زور یکی است با این حال رئیس‌جمهور امریکا با اساس منشور ملل متحد در تعارض آشکار است. کارکرد مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر اساس منشور این سازمان مصوب ۱۹۴۵، بحث، بررسی و ارائه توصیه‌هایی درباره موضوعات متنوعی از موضوعات مرتبط با صلح و امنیت بین‌الملل، نظیر توسعه، خلع سلاح، حقوق بشر، قوانین بین‌المللی و حکمیت مسالمت‌آمیز بین ملت‌های متنازع می‌باشد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بر خلاف چهار نهاد دیگر اصلی تشکیل‌دهنده سازمان ملل (شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، دبیرخانه و دیوان بین‌المللی دادگستری) با تمامی اعضا در نشست‌های سالانه خود تشکیل می‌شود که همین مسئله باعث شده سخنرانی رؤسای جمهور کشورها در نشست‌های سالانه این مجمع بسیار مورد توجه قرار بگیرد.

مجمع عمومی سازمان ملل که اعضای غیردائم شورای امنیت و دیگر نهادها همچون شورای حقوق بشر را انتخاب کرده است و وظیفه بررسی گزارش‌های ارائه شده توسط چهار نهاد دیگر اصلی سازمان ملل، ارزیابی وضعیت مالی و تأیید بودجه سازمان ملل را نیز برعهده دارد، نتوانسته آنگونه که باید اصول حاکم بر منشور را رعایت کند.

■ حداقل انتظار از رؤسای جمهور کشورها

به عنوان نمونه بحث و بررسی در باب چگونگی دستیابی به صلح و ثبات و امنیت بین‌المللی باید از اهداف اصلی و مستمر مجمع عمومی سازمان ملل و دیگر نهادهای اصلی سازمان ملل باشد و حداقل انتظار این است که رؤسای جمهور کشورها از تریبون رسمی در نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل، نطق‌هایی در تخطئه و تخریب «صلح، ثبات و امنیت» بین‌المللی اتخاذ نکنند. این در حالی است که در هفتاد و دومین نشست سازمان ملل - نشست سالانه در ماه‌های سپتامبر تا دسامبر در مقر این سازمان در نیویورک برگزار می‌شود - در هفته گذشته نطق رئیس‌جمهور امریکا پارادوکس‌های مشهودی با مفاد و روح حاکم بر منشور سازمان ملل داشت.

مهم‌ترین واژه‌ای که در فصل چهارم منشور سازمان ملل - بخش وظایف مجمع عمومی سازمان ملل - و از ماده ۹ تا ۲۲ مورد توجه قرار گرفته است «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» است، کمااینکه در ماده ۱۱ منشور اشعار می‌شود: «مجمع عمومی می‌تواند اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی من‌جمله اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات را مورد رسیدگی قرار دهد و ممکن است در مورد اصول مذکور به اعضا یا به شورای امنیت یا به هر دو توصیه‌هایی کند.»

در حالی پرکاربردترین واژه در منشور «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» است و موادی بیشماری در منشور (از جمله آنچه در فصل چهارم و ذیل وظایف مجمع عمومی) جاگذاری شده که رئیس‌جمهور ایالات متحده محور یگانه سخنان خود را «تهدید و اتهام‌افکنی علیه سایر کشورها» تشکیل می‌دهد به طوری که وی در بخشی از سخنان خود ادعا می‌کند: «ایران از پول نفت برای تأمین مالی حزب‌الله استفاده می‌کند که عرب‌ها و مسلمانان بیگناه را به قتل می‌رسانند و باید با ایران که فقط خشونت و هرج و مرج صادر می‌کند، مقابله کنیم.»

وی همچنین ابراز می‌کند: «رژیم‌های سرکش و خودکامه که نمایندگان آنها در این مجمع حضور دارند...» که ادبیاتی غیردیپلماتیک و جنگ‌طلبانه است یا از عبارت «رژیمی واپس‌گرا»، «حکومت قاتل»، «حکومت کلاهبردار کوبا» و «ممکن است امریکا چاره‌ای جز نابودی کره‌شمالی نداشته باشد» استفاده می‌کند که با اهداف اولیه منشور مغایرت داشته و با اصول بدیهی حقوق بین‌الملل در تناقض است.

■ اصرار موکد قانونگذار در استفاده از واژگان «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»

اصرار مؤکد قانونگذار در استفاده از واژگان «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» نشان‌دهنده اهمیت چنین مسئله‌ای است، اگرچه در بسیاری از تحولات و رخدادهای بین‌المللی رکن مهمی مانند شورای امنیت سازمان ملل نه تنها مانعی جهت تخاصمات بین‌المللی نبوده بلکه هموارکننده اهداف کشورهای توسعه‌یافته غربی همانند ایالات متحده امریکا بوده است اما اساس شکل‌گیری «سازمان ملل» بعد از انحلال «جامعه ملل» در سال ۱۹۴۵، همانطور که در جای جای منشور آمده جلوگیری از تخاصم بین‌المللی بوده است. حال آنچه مشهود است سخنان جنگ‌طلبانه دونالد ترامپ از تریبون رسمی مجمع عمومی سازمان ملل دقیقاً خط تقابلی با چنین اهدافی را نشان می‌دهد.

با رویکردی کارکردگرا یعنی با لحاظ نمودن عملکرد و اهداف دولت امریکا در طول سال‌های گذشته و مرور سخنان ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل می‌توان گفت که پیامدهای تهدید به زور آن هم از تریبون رسمی سازمان ملل می‌تواند به شکل‌گیری رویه‌ای اشتباه در اجلاس بعدی این مجمع منجر شود که با عرف حقوقی- سیاسی شکل گرفته در سخنرانی رؤسای جمهور کشورها در نشست‌های سالانه مجمع عمومی متفاوت است و باید این انتظار را داشت که در نشست‌های آتی شاهد «تهدیدات نظامی امریکا علیه سایر کشورها» باشیم.

احتمال شکل‌گیری عرفی تحت عنوان «تهدید از تریبون رسمی سازمان ملل» با اصل تدوین منشور و کنفرانس ۱۹۰۷ صلح لاهه در تعارض آشکار است و اگرچه ارکان مختلف سازمان ملل تحت نفوذ ایالات‌متحده امریکاست، اما توقع آن است که مجمع عمومی سازمان ملل از تکرار رفتار غیر دیپلماتیک و مغایر با اصول حقوق بین‌الملل دونالد ترامپ جلوگیری کند.

به هر روی سخنان ترامپ حداقل با چهار بند ماده یک، بند چهارم ماده ۲، بند یک ماده ۱۱ و کلیت فصل چهارم منشور ملل متحد در تعارض است و با روح منشور که همان «تلاش برای حفظ و توسعه صلح، ثبات و امنیت بین‌المللی است» همخوانی ندارد.

آنچه مبرهن است این مسئله است که سخنرانی دونالد ترامپ با اسناد بین‌المللی موثق و رویه بین‌المللی در پارادوکس بوده و چنانچه با مانع‌سازی سازمان ملل و به ویژه مجمع عمومی همراه نشود، تریبون نشست سالانه مجمع عمومی به تریبونی یکطرفه برای تهدید و ارعاب کشورها توسط امریکا تبدیل خواهد شد.